

کاراکتر علیرضا در سریال خسوف با دیگر نقش‌هایی که پیش از آن بر عهده داشتید متفاوت است، جاه طلبی‌ها و سادگی‌های مخصوص خود را دارد، و در لحظاتی از سریال بیننده را سسور پرایز میکنند، ارزیابی خود پوریا رحیمی نسام از این نقش چیست؟ از تفاوت‌ها و ویژگی‌هایی که باعث شد آن را بپذیرید کمی توضیح دهید.

زمانی که آقای اسعدیان و آقای میری برای بازی در نقش «علیرضا» در حال قانع کردن من بودند به ابعادی از این کاراکتر اشاره می‌کردند که شاید در نسخه‌های اولیه فیلمنامه که من خوانده بودم، خیلی ملموس نبود و تردیدهایی را در شروع کار برای من ایجاد کرده بود؛ به ویژه چنین تفکری که نکند این کاراکتر به قدری ساده باشد که ساده لوح به نظر برسد! اما سازندگان سریال از همان ابتدا گفتند کاراکتر «علیرضا» در یک روندی تفاوت‌ها و تاثیرگذاری خود را کاملاً نشان می‌دهد که در نهایت روایت آن‌ها از این شخصیت من را برای بازی در نقش «علیرضا» ترغیب کرد. از دید من شخصیت «علیرضا» ابعاد مختلفی دارد که نسبت به کارهای پیشین من متفاوت است چرا که روند تماشای این کاراکتر خیلی تدریجی و آرام است که البته این روند تدریجی برای بازیگر نیز شاید دلهره ایجاد کند که یک آن تماشاگر به قضاوت زود هنگامی نسبت به این شخصیت نرسد. اما از اتفاقی که بر اساس طراحی کلی خودم رقم خورد و همچنین روند تحولی که انتظار «علیرضا» را در مسیر قصه «خسوف» می‌کشد راضی هستم چرا که می‌دانم این کاراکتر در ادامه راه به نقاطی فراتر از پیش‌بینی‌های ما می‌رسد و قرار نیست در سطح سادگی خود باقی بماند.

شخصیتی را ایفا می‌کنید که در لحظاتی مخاطب را آزار می‌دهد خود شما مواجهه تان با این شخصیت به چه صورت بود تا اینکه «علیرضا» اصطلاحاً در آمد؟

ما همیشه در مواجهه با کاراکترهای متفاوت به سرعت به دنبال ما به ازاهای اجتماعی آن‌ها در اطراف خود می‌گردیم و درباره کاراکتری مانند «علیرضا» که مابه‌ازای اجتماعی آن بسیار مشهود است. در مقطع تاریخی-اجتماعی فعلی مجموعه‌ای از آدم‌ها فکر می‌کنند حقی از آن‌ها ضایع شده و بی‌محابا و نا به‌هنجار به دنبال این احقاق حق هستند. به همین دلیل احساس می‌کنیم بی‌نهایت به کاراکترهای وُلد یک یعنی افرادی سادّه و مظلوم شبیه است که به آرامی تبدیل به یک هیولا می‌شوند. من اگر بخواهم «علیرضا» را توصیف کنم، نزدیک‌ترین کاراکتر دراماتیکی که به ذهنم می‌آید وُلد سک است.

«علیرضا» نقش موثری در سریال دارد چرا که هر موقعیت و چالشی که شاهد آن هستیم یک پای آن ماجرا به او ختم می‌شود، این همان روند تحولی است که از آن صحبت می‌کنید؟

درست است، در همان روزهای ابتدایی آقای اسعدیان به عنوان یکی از نویسندگان فیلمنامه

فاطمه شوقی: پوریا رحیمی سام مسیر آهسته و پیوسته‌ای را طی کرده است و همچنان در انتخاب‌ها با وسواسی معقول پیش می‌رود شاید همین هم یکی از دلایلی باشد که می‌بینیم رشد محسوس در کارش داشته است. زیر اسم هر کارگردانی حاضر شده و در انتخاب به گفته خودش نه گفتن را هم خوب بلد است. خسوف بهانه خوبی بود تا درباره پروسه انتخاب نقش، وسواس‌ها و مساله‌های ذهنی‌اش در بازیگری بپرسیم که نتیجه‌اش را در ادامه می‌خوانید.

